دو فصلنامه علمی تخصصی
اندیشه‌های قرآنی متفکران معاصر
سال سوم، شماره پنجم، بهار و تابستان ۱۴۰۵

اهمیت تصحیح و پژوهش نسخه‌های خطی قرآنی و حدیثی در دورهٔ معاصر

فرزین حبیب‌زاده،[۱] معصومه سعیدی[۲]

چکیده

در میان پژوهش‌های قرآنی و حدیثی در دورهٔ معاصر، فقدان بزرگی در بخشی از آنها وجود دارد و آن، **مسئله اصلی** یعنی متن‌پژوهی یا تحقیق و پژوهش در نسخه‌های خطی و انتشار و احیای متون کهن به‌صورت متون تحقیقی چاپی و جدید است. این مسئله از آن جهت اهمیت دارد که این آثار ضمن آنکه نشان‌دهندهٔ تاریخ علم در اسلام است، حاوی اطلاعات ارزشمند فراوانی در زمینه‌های علمی، تاریخی، دینی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دوره‌های مختلف اسلامی هستند. شمار فراوان نسخه‌های خطی با موضوعات قرآنی و حدیثی در کتابخانه‌ها و مراکز علمی اسلامی و غیراسلامی، ضرورت این امر را دوچندان می‌کند که پژوهشگران و محققان علوم دینی، به شناسایی این گنجینه‌ها و احیا و انتشار شایستهٔ آنها مبادرت ورزند. این نسخ و آثار کمیاب، علاوه بر قدمت و نفاست آنها که نمایانگر میراث فرهنگی و دینی ملل مسلمان است، از جهت علمی و تحقیقی بودن نیز از اهمیت و ارزش زیادی برخوردارند. این جستار باهدف تبیین اهمیت تصحیح و پژوهش نسخه‌های خطی قرآنی و حدیثی در دورهٔ معاصر، به **روش** تحلیلی و توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به نگارش درآمده است. طبق **یافته‌ها**، در این نوشتار ضمن بحث از اهمیت پژوهش در نسخه‌های خطی قرآنی و حدیثی در گذر زمان، از نقش محققان و مصححان مسلمان و مستشرقان در تصحیح و تحقیق متون خطی در عصر حاضر و نیز نقش مراکز علمی در تحقیق و تصحیح نسخه‌های خطی در دورهٔ معاصر و اهمیت و ضرورت پژوهش در این عرصه بحث شده است. مهم‌ترین **نتیجه** این پژوهش آن است که پژوهشگران نسخ خطی شایسته است به نقش متون کهن و خطی در مطالعات قرآن‌پژوهی و حدیث‌پژوهی معاصر واقف باشند و با استفاده از روش‌های نوین در نسخه‌شناسی و آشنایی با فعالیت‌های مستشرقان در این زمینه، به معرفی، احیا و انتشار این میراث علمی ارزشمند همت گمارند.

واژگان کلیدی: تصحیح متون، تحقیق متون، دورهٔ معاصر، نسخه‌های خطی، دانش‌های قرآنی و حدیثی.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)؛
f.habibzadeh@mazaheb.ac.ir

۲. پژوهشگر الهیات و طلبهٔ سطح دو مؤسسه آموزش عالی حوزوی زینبیه خواهران، کرج، ایران؛ masoomehsaeedi52@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۸/۱۹ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۳/۲۵

۱. مقدمه

امروزه پژوهش در علوم اسلامی و دانش‌های قرآنی و حدیثی، محدود به پژوهش‌های سنتی و کهن نمی‌شود و پیشرفت روزافزون مطالعات قرآنی و حدیثی در دورهٔ معاصر، باب پژوهش‌های فراوان و جدیدی را گشوده است که ازجمله آنها، تحقیق و پژوهش در نسخه‌های خطیِ به‌یادگارمانده در دانش‌ها و موضوعات قرآنی و حدیثی است. بدیهی است که نسخه‌های خطی و مکتوبات کهن، نمایانگر عظمت تمدن اسلامی و اهمیت علوم دینی در بین مسلمانان جهان در طول دورهٔ درخشان اسلامی و ایرانی است. از این جهت شناسایی این آثار، تصحیح و تحقیق علمی و درنهایت، عرضه و احیای مناسب آنها در هر زمانی، به‌ویژه عصر حاضر، از ضرورت‌های علمی و دینی به شمار می‌رود.

در باب اهمیت تصحیح و تحقیق نسخه‌های خطی قرآنی و حدیثی و لزوم توجه به این بخش از مطالعات علمی باید گفت که این آثار و مکتوبات کهن، میراث علمی و عامل پیوند فرهنگی و اجتماعی میان ملل مختلف اسلامی است و آگاهی از این آثار و محتوای آن، ضمن اینکه زمینه‌های انتقال فرهنگ، دانش و تجربه‌های گذشته به نسل بعد را فراهم می‌سازد، احیای فرهنگ پرمایهٔ گذشته مسلمانان را به دنبال دارد و موجب می‌شود که ملل اسلامی به ذخایر فکری و معنوی و غنای فرهنگی و دینی خود پی ببرند.

با این توضیح، بایسته است فرصتی فراهم شود که محققان و اندیشمندان، احیا و انتشار بخشی از این میراث غنی بازمانده از گذشتگان را بر عهده بگیرند و ضمن آشنایی با اصول نسخه‌شناسی (codicologie) و روش‌های تصحیح و تحقیق متون خطی، پژوهش و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی مرتبط با دانش‌های قرآنی و حدیثی را در قالب طرح‌های علمی، کتاب و مقاله، در برنامهٔ پژوهش‌ها و فعالیت‌های علمی خود قرار دهند.

مقالهٔ فرارو باهدف بیان اهمیت تحقیق و پژوهش متون خطی قرآنی و حدیثی در دورهٔ معاصر به نگارش درآمده است و ضمن بیان پیشینهٔ پژوهش، چهار موضوع کلی را مورد بحث قرار می‌دهد که از این قرار است:

الف) پژوهش در نسخه‌های خطی قرآنی و حدیثی در گذر زمان

دو فصلنامه علمی تخصصی، سال سوم، شماره پنجم، بهار و تابستان ۱۴۰۵

ب) اهمیت و ضرورت پژوهش در نسخه‌های خطی قرآنی و حدیثی در دورهٔ معاصر

ج) مصححان و محققان نسخه‌های خطی قرآنی و حدیثی در دورهٔ معاصر

د) نقش مراکز علمی در تحقیق و تصحیح نسخه‌های خطی در دورهٔ معاصر

اینکه پژوهش در نسخه‌های خطی قرآنی و حدیثی در گذر زمان چگونه بوده است؟ ضرورت پژوهش در نسخه‌های خطی قرآنی و حدیثی در دورهٔ معاصر در چیست؟ و نقش مصححان و مستشرقان و نیز مراکز علمی در تحقیق و تصحیح نسخه‌های خطی در دورهٔ معاصر چگونه قابل ارزیابی است؟ مهم‌ترین سؤالات در باب چگونگی تصحیح و پژوهش نسخه‌های خطی قرآنی و حدیثی در دورهٔ معاصر است که این نوشتار درصدد پاسخگویی به آنهاست.

۲. پیشینه

تاکنون دربارهٔ اهمیت نسخه‌های خطی و تصحیح و تحقیق متون خطی قرآنی و حدیثی، پژوهش‌های اندکی نگاشته شده است. سه مقاله در این موضوع به قلم نگارندهٔ جستار حاضر، فرزین حبیب‌زاده به نگارش درآمده است. مقاله‌ای با عنوان «بایسته‌های نسخه‌پژوهی در موضوعات قرآنی و حدیثی؛ نسخه‌یابی، روش‌شناسی تصحیح و منابع کارآمد» (۱۴۰۳ش، مجله حدیث و اندیشه، شمارهٔ ۳۷)، که نگارنده آن را باهدف تبیین مراحل نسخه‌پژوهی، ازجمله نسخه‌یابی، روش‌شناسی تصحیح و منابع کارآمد نگاشته است. مقالهٔ دیگر با عنوان «ضرورت تصویب درس تحقیق و تصحیح نسخه‌های خطی قرآنی و حدیثی» (۱۳۹۹ش، مجلهٔ دانش‌ها و آموزه‌های قرآن و حدیث، شمارهٔ ۱۰)، به پیشینهٔ اهمیت تصحیح نسخه‌های خطی قرآنی و حدیثی و ضرورت تصویب واحد درسی تحقیق و تصحیح متون خطی پرداخته و سرفصل‌های پیشنهادی برای آن ارائه داده است. در مقاله دیگر با عنوان «لزوم آشنایی با تصحیح و تحقیق نسخه‌های خطی قرآنی و حدیثی و منابع و روش‌های آن» (۱۴۰۱ش، همایش ملی تحقیق و تصحیح نسخه‌های خطی ایران)، نگارنده به واکاوی ضرورت و لزوم توجه به تصحیح و تحقیق نسخه‌های خطی قرآنی و حدیثی پرداخته است. همچنین در مقاله‌ای با عنوان «نقش مستشرقان در احیای نسخ خطی قرآن و مطالعات نسخه‌شناسی» (حسین سپهری‌فرد و محمد اکبری، ۱۴۰۴ش، مجلهٔ قرآن‌پژوهی خاورشناسان)، مؤلفان تنها حاصل پژوهش‌های خود در زمینهٔ نقش مستشرقان در کشف و احیای نسخه‌های خطی قرآن و

نقد و ارزیابی روش‌های نوین ایشان در نسخه‌شناسی قرآن را آورده‌اند.

هریک از مقالات فوق، جنبه‌ای خاص از موضوع اهمیت تصحیح متون خطّی را مورد تحلیل و بحث قرار داده‌اند. اما پژوهش حاضر از دو جهت با آثار مشابه در این موضوع، متفاوت و دارای نوآوری است: یکی اینکه به واکاوی مقولهٔ پژوهش در نسخه‌های خطی قرآنی و حدیثی در گذر زمان پرداخته و اهمیت پژوهش در این متون خطی را در دورهٔ معاصر بازکاویده است. دیگر اینکه از نقش محقق و مصحّح معاصر و مستشرقان در پژوهش نسخه‌های خطی قرآنی و حدیثی و نیز نقش مراکز علمی در تحقیق و تصحیح نسخه‌های خطی در دورهٔ معاصر و مسئلهٔ فهرست‌نگاری نسخ خطی قرآنی و حدیثی در مراکز علمی اسلامی و غربی سخن به میان آورده که تاکنون اثر مستقلی در این موضوع نگاشته نشده است.

دو فصلنامه علمی تخصصی، سال سوم، شماره پنجم، بهار و تابستان ۱۴۰۵

۳. روش‌شناسی پژوهشی

این جستار باهدف آشکار ساختن جایگاه بی‌نظیر و حیاتی تصحیح و پژوهش بر روی گنجینه‌های خطی قرآن و حدیث در دنیای امروز، به روش تحلیلی و توصیفی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای به نگارش درآمده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که نقش محققان، مصححان مسلمان و مستشرقان در طول تاریخ و به‌ویژه در دوران معاصر، در احیا و پالایش این متون خطی، چشمگیر بوده است و مراکز علمی نیز در حفظ و اعتلای این میراث نقشی کلیدی ایفا کرده‌اند. لذا نتیجه‌گیری اصلی این است که پژوهشگران این حوزه باید به ارزش بی‌پایان متون کهن و خطی در مطالعات قرآنی و حدیثی عصر حاضر کاملاً واقف باشند و با تسلط بر روش‌های نوین نسخه‌شناسی و آگاهی از تلاش‌های مستشرقان، با همتی والا در راه معرفی، احیا و انتشار این میراث علمی ارزشمند بکوشند.

۴. یافته‌ها و بحث

۱ـ ۴. پژوهش در نسخه‌های خطی قرآنی و حدیثی در گذر زمان

آنچه بیش از هر چیز در تمدن اسلامی در میان دانشمندان هر عصر متداول بود، سنت تصحیح متون و مقابله و اصلاح نسخه‌ها، به‌ویژه در حوزه‌های مرتبط با علوم عربی و اسلامی نظیر تفسیر،

حدیث، لغت و... بوده است. «در تمدّن اسلام، لااقل از سدهٔ سوم هجری، اندیشهٔ تصحیح و تنقیح آثار گذشتگان تداول یافت. نخستین مترجمان جهان اسلام سوای ترجمهٔ آثار یونانی، سریانی و پهلوی، به نحوی به تصحیح و تنقیح آن ترجمه‌ها هم می‌پرداختند. چنان‌که می‌گویند المجسطی را سهل‌بن‌ربّان الطبری ـ از مردم مرو ـ به عربی ترجمه کرد و حجّاج بن یوسف بن مَطَر حاسب در حدود ۲۱۱ق در آن نظر کرد و آن را به اصلاح آورد. همین ترجمه را حُنَین‌بن‌اسحاق و سپس محمد البتّانی (م۳۱۶ق) تصحیح و تنقیح کردند» (مایل هروی، ۱۳۷۹، ص۳۸۴). مقابلهٔ نسخه‌ها و اصلاح کتاب‌ها، با عباراتی همچون «قوبل مع الأصل» [نشانهٔ عرض و مقابله]، «عورض مع الاصل»، «صح» [علامت تصحیح] و عبارات و اشاراتی همانند آنها در نسخه‌های خطی عربی و فارسی، حکایت از توجه فضلای قدیم به اصلاح و تنقیح نگارش‌های پیشینیان دارد (همان).[1]

درواقع تصحیح متون کهن و تحقیق در نسخه‌های خطی اسلامی، ابتدا در غرب و به کوشش دانشمندان غربی آغاز شده است که تصحیح و انتشار آثار مطابق با فرهنگ اهل‌سنت را در درجهٔ اول قرار دادند. نجیب مایل هروی می‌نویسد: «انتقال نسخه‌های خطی به کتابخانه‌ها و موزه‌های اروپا، اسباب تحقیق را برای خاورشناسان فراهم آورد و به واقع سببِ پیشرفتِ اسلام‌شناسی و خاورشناسی در مغرب‌زمین شد» (همان، ص۳۷۳).

گردآوری نسخه‌های خطی و تحقیق و تصحیح علمی این آثار توسط حکومت‌های غربی در دوره‌های مختلف، نمونه‌ای از اهتمام محققان غربی به تحقیق و تصحیح آثار خطی مسلمانان است. یکی از محققان، جمع‌آوری مخطوطات عربی و اسلامی توسط غربیان (به‌صورت قانونی یا غیرقانونی) را به چهار دسته تقسیم می‌کند که تقریباً از آغاز قرن چهاردهم میلادی آغاز می‌شود و تا اواخر قرن نوزدهم و زمان حاضر ادامه می‌یابد. به اعتقاد این محقق، سه میلیون نسخهٔ خطی عربی در کتابخانه‌های کشورهای غیراسلامی وجود دارد. کشور فرانسه یکی از کشورهای اروپایی

۱. برای توضیح بیشتر دربارهٔ تاریخ و پیشینهٔ تصحیح نسخ خطی در دوره‌های تاریخی مختلف، ر.ک: مایل هروی، ۱۳۷۹، ص۳۷۹ـ۴۱۰؛ زرین‌کوب، ۱۳۳۶، ص۲۶۰ـ۲۶۴؛ فدائی، ۱۳۸۶، ص۱۸۶ـ۱۸۹؛ چرمگی عمرانی، ۱۳۹۸، ص۳ـ۶ و مجرد، ۱۳۹۳، ش۹۸، ص۱۰۶ـ۱۱۹. یکی از نوشته‌هایی که به تفصیل و مستند، در باب تاریخچه و سرگذشت تصحیح متن در میان غربیان و مسلمانان به نگارش درآمده و تاریخ، سیر و تحول روش‌های تصحیح متن در مغرب زمین از آغاز تا امروز را مورد بررسی قرار داده است، مقالهٔ «تاریخچه‌ای از تصحیح متن در مغرب‌زمین و در میان مسلمین» نوشتهٔ محمود امیدسالار، دکترای ایران‌شناسی و کتابدار دانشگاه کالفرنیاست. (امیدسالار، ۱۳۸۵، ص۷ـ۳۲).

است که نسخه‌های خطی فارسی، عربی، ترکی و مانند آن را از کشورهای اسلامی جمع‌آوری کرده است[1] (ر.ک: فدائی، ۱۳۸۶، ص۱۰۲).

مطلب دیگری که حکایت از ارزش این متون کهن در نزد غربیان دارد، این است که کتابخانه‌های مهم دنیا به‌ویژه در غرب، مجموعه‌هایی از نسخ خطی اسلامی را نگهداری می‌کنند و بخش‌هایی از کتابخانه‌ها را به کتب خطی فارسی و عربی اسلامی اختصاص داده‌اند.[2] به‌عنوان‌نمونه، در کتابخانهٔ سن پترزبورگ (لنینگراد) حدود ۲۰ هزار جلد کتاب فارسی و حدود ۲۰۰ هزار جلد کتاب اسلامی و شرقی وجود دارد (همان، ص۱۰۴).

به اعتقاد یکی از محققان، شیوه‌های امروزین تصحیح متن از راه آشنایی با شیوه‌های تصحیحی دانشمندان اروپایی در میان محققان مسلمان، به‌ویژه ایرانیان در تصحیح متون فارسی رواج یافته است. (عمادی حائری، ۱۳۸۷، ص۴). محققان و پژوهشگران مسلمان نیز به دنبال تحقیقات و کاوش‌های اندیشمندان غیرمسلمان در زمینه‌های متون خطی کهن، به احیا و بازآفرینی گنجینه‌های علمی و فرهنگی خود که در اقصی نقاط ایران و جهان اسلام و غربی وجود داشت، همت گماشتند. محققان غربی، صرف‌نظر از دقت و وسواس علمی که در تصحیح آثار اسلامی به کار می‌گیرند، آثار پیشینیان خود را نه یک‌بار، که بارها و از منظرهای مختلف تصحیح، تنقیح و نقد می‌کنند (ر.ک: فدائی، ۱۳۸۶، ص۱۸۹). نجیب مایل هروی نیز به اهمیت تصحیح در میان غربیان اشاره کرده و بیان داشته است که محقّقان و مصحِّحان انگلیسی‌زبان، صد و اند سال را بر روی تصحیح آثار شکسپیر می‌گذارنند و به جهت رفع تحریف نُسّاخ از یک ضمیر، اثری از آثار او را چندین بار تصحیح و چاپ می‌کنند (مایل هروی، ۱۳۷۹، ص۳۸۰).

نسخه‌شناس مشهور سوری، صلاح‌الدین المنجد نیز در قواعد تحقیق المخطوطات، تلاش خاورشناسان در تصحیح و انتشار متون خطی را مقدّم بر کوشش‌های مسلمانان می‌داند و در این باره می‌نویسد: «انصاف آن است که به فضل تقدّم خاورشناسان که از قرن گذشته برای انتشار متون عربی آغاز شده، اعتراف کنیم؛ زیرا آنان نخستین کسانی بودند که ما را متوجه متون عربی و نوادر

۱. برای مطالعهٔ بیشتر دربارهٔ غارت نسخه‌های خطی توسط سوداگران اروپایی، ر.ک: مایل هروی، ۱۳۷۹، ص۳۷۲ـ۳۷۴.

۲. ر.ک: خانی‌پور، رضا (۱۳۹۰ش)، «بررسی علل و عوامل خروج کتب خطی از ایران و راه‌های مقابله با آن»، مجلهٔ کتابداری و اطلاع‌رسانی، دورهٔ چهاردهم، ش۲ (پیاپی ۵۴)، تابستان.

مخطوطات نمودند و متونی در دسترس ما گذاشتند که شناسایی آنها بدون کمک ایشان ممکن نبود. خاورشناسان برای انتشار متون عربی شیوه‌ای به کار بردند که در اروپا برای انتشار متون کلاسیکی لاتینی و یونانی از آن پیروی می‌شد. این شیوهٔ دقیق در تصحیح متون امانت را تضمین می‌کرد و متن منتشرشده را همچنان‌که در اصل تدوین شده بود به دست می‌داد» (منجد، ص۵۸).

به باور برخی نیز طریقهٔ نوین تصحیح متون در غرب به قرن نوزدهم برمی‌گردد که کارل لاخمان[1] در ۱۸۴۲م. متن عهد جدید را منتشر کرد. اولین کتاب نظری مهمی که در باب تحقیق و نقد متون نوشته شد و روش علمی کار را نشان داد، اثر گوتهلف برگستراسر[2] (۱۸۸۶ـ۱۹۳۲م) بود (ثروت، ۱۳۹۶، ص۵ و ۶).

۲ـ۴. اهمیت و ضرورت پژوهش در نسخه‌های خطی قرآنی و حدیثی در دورهٔ معاصر

شکل‌گیری و پیشرفت علوم مختلف در میان مسلمانان سبب شده است که تقریباً از آغاز ظهور اسلام، آثار و نوشته‌هایی در علوم گوناگون به نگارش درآید. تألیف این آثار که از قرن پنجم به بعد شتاب بیشتری داشته است، متضمن علوم و موضوعاتی هستند که یا دانش جدیدی را معرفی کرده‌اند و یا در تکمیل و تصحیح برخی دانش‌ها مؤثر بوده و راه را برای تحقیق بهتر گشوده‌اند.

واضح و مبرهن است که نسخه‌های خطی، نمایانندهٔ فرهنگ پرمایهٔ اسلام و ایران و درحقیقت، کارنامهٔ دانشمندان و نوابغ بزرگ مسلمان در طول قرن‌ها کوشش علمی و فرهنگی است. این گنجینه‌های گرانقدر، عامل ترویج و انتقال علوم و معارف نسل گذشته به نسل‌های آینده است و بر عهدهٔ هر نسلی است که این میراث پرارج را پاس دارند و برای شناخت و شناساندن تاریخ و فرهنگ و ادب و سوابق علمی و دینی خود، به احیا و بازسازی آن ذخایر مکتوب اهتمام ورزند.

نسخه‌های خطی ضمن اینکه نمایانندهٔ قرن‌ها پیشینهٔ فرهنگی و هنری ملل و آیین آن است، سرمایه و پشتوانهٔ فرهنگی آن ملت نیز به شمار می‌رود و دارای ارزش فراوان علمی و هنری هستند. وجود نسخه‌های خطی ارزشمند، پشتوانهٔ قوی علمی گذشته را نشان می‌دهد و شناخت آنها پلی برای ارتباط نسل فعلی با گذشته است (فدائی، ۱۳۸۶، ص۵ ـ۶). هر نسخهٔ خطی، جدا از

1. Karl Lachmann.
2. Gotthelf Bergsträsser.

محتوای آن، تنها به دلیل مشخصه‌های نسخه‌شناسی، یک سند تحقیقی دربارهٔ گذشته است و اوضاع علمی و هنری و جایگاه کتابت در هر دورهٔ تاریخی و در مناطق مختلف جغرافیایی یا سرگذشت و سیر تاریخی دست به دست شدن هر نسخه را نشان می‌دهد (عظیمی، ۱۳۹۶، ص۲۹).

در اهمیت آشنایی با نسخه‌های خطی و کوشش در تصحیح و تحقیق این آثار باید گفت اگر پژوهشگر مصحّح در مرحلهٔ انتخاب نسخهٔ خطی و گردآوری اطلاعات در مورد نسخه‌ها، به روشی علمی و با نگاه نقّادنه به متن برخورد کند و نسخه‌های منحصربه‌فرد از جهت موضوع و روش مؤلف را برای تصحیح برگزیند، چه‌بسا انتشار این آثار، ده‌ها برابر ارزشمندتر از برخی تألیفات و پژوهش‌های اغلب تکراری و بی‌پایه و اساس امروزی است.[1] سمیعی در این باره نوشته است: «تصحیح متون، به خلاف آنچه به طنز گفته‌اند، «نبش قبر» نیست، گنج‌یابی و احیای فرهنگ است» (سمیعی، ۱۳۶۲، ص۴۸).

ایرج افشار در بیان اهمیت نسخه‌های خطی و انتشار این آثار می‌نویسد: «تردیدی وجود ندارد که البته این نسخه‌ها نه از تخت جمشید و مسجدهای اصفهان کمتر است و نه از گنجینه‌های زرّین که چشم را خیره می‌کند. شناخت ملت و سرزمین ما، منحصر به تاریخ جهانگیری هخامنشی و هنر ساسانی و پهلوانی‌های رستم و نقش‌های زیبای شیخ لطف‌الله نیست. ما در کنار و هم‌تراز با این آثار بزرگ و باجلال، نسخه‌های خطی زیبا و پرکار هنرمندانه و کهنه کتاب‌های فرسوده و شیرازه‌دررفته‌ای داریم که هریک سندی بزرگ و مهم است، هم از حیث خط و هنر و هم از دید معنوی و اندیشه» (افشار، ۱۳۴۷، ص۴؛ به نقل از: چرمگی عمرانی، ۱۳۹۸، ص۲).

علاوه بر برخی دلایلی که بر اهمیت تصحیح نسخ خطی بیان شد، ازآنجاکه این متون خطی حاوی اطلاعات ارزشمندی در محتوا، سبک، زبان نوشته، انواع هنرها و... هستند، تصحیح آنها فواید فراوانی را دربردارد که برخی از آنها عبارت‌اند از: الف) آگاهی از خصوصیات و ویژگی‌های بزرگان، دانشمندان و ادیبان هر دوره؛ ب) آگاهی از اوضاع فرهنگی، دینی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی جامعه در ادوار مختلف تاریخی؛ ج) تدوین تاریخ علم؛ د) آگاهی از ویژگی‌های زبان‌شناختی در ادوار مختلف (فدائی، ۱۳۸۶، ص۱۹۲).

۱. برای توضیح بیشتر دربارهٔ اهمیت و ضرورت تصحیح متون خطی، ر.ک: مایل هروی، ۱۳۷۹، ص۳۷۹-۳۸۰؛ بینش، ۱۳۵۴، ص۳۹۸_۴۰۶؛ ستوده، ۱۳۸۶، ص۴۳۰_۴۳۳ و فدائی، ۱۳۸۶، ص۹۹ و ۱۰۷.

مؤلف کتاب مرجع‌شناسی و روش تحقیق، از جنبه‌ای دیگر به فایدهٔ نشر و عرضه چاپی متون خطی پرداخته و بیان داشته است که در نشر متون خطی و قلمی فارسی، فایدهٔ بزرگی نهفته است و آن آگاهی از تحول زبان فارسی و اختصاصات سبکی و به‌خصوص فراهم آمدن لغات اصیل است (ر.ک: ستوده، ۱۳۸۶، ص۴۳۲). کتاب‌های خطی برای هر زبانی، پشتوانهٔ دارایی معنوی است. تاریخ و سیر تکامل ادب، دانش و هنر هر ملتی به‌صورت واقعی و حقیقی در اوراق نسخه‌های خطی نمودار است و نخستین گام برای شناختن و شناساندن یک ملت کهنسال، دستیابی به همهٔ آثار اوست (همان، ص۱۸۹).

اهمیت این متون خطی از آنجا دانسته می‌شود که موضوعات برخی از این متون، بکر و منحصربه‌فرد است و همچنین از سبک ادبی و ارزش و اعتبار علمی ویژه‌ای برخوردار هستند. بنابراین ضرورت دارد پژوهشگر نسخ خطی با توجه به آمار فراوان نسخه‌های خطی با موضوعات قرآنی و حدیثی در کتابخانه‌های ایران و کشورهای اسلامی و عربی و همچنین غربی،[1] اقدام به تصحیح و پژوهش در این متون کهن کند و این آثار علمی را به‌صورت متون تحقیقی چاپی و جدید عرضه نماید.

۳ ـ ۴. مصححان و محققان نسخه‌های خطی قرآنی و حدیثی در دورهٔ معاصر

در سال‌های اخیر اهتمام فراوانی به بازیابی و تصحیح متون کهن و نسخه‌های خطی در موضوعات اسلامی نشان داده شده است و دانشمندان و محققان مسلمان و نیز قرآن‌پژوهان غربی با انگیزه‌های مختلف، احیا و انتشار این گنجینه‌های ارزشمند را با اسلوب‌ها و روش‌های نوین تصحیح علمی و انتقادی در دستور کار خود قرار داده‌اند.[2] یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های محققان در تصحیح و احیای این آثار، زنده ساختن معارف و علوم غنی و ارزشمندی است که از گذشتگان ما به یادگار مانده است.

مصحّحان بنام ایرانی، در کشف و احیای متون خطی فارسی و عربی بسیار کوشش نموده‌اند. ازجملهٔ ایشان می‌توان از محمد قزوینی، نصرالله تقوی، محمدعلی فروغی، محمدتقی

۱. برای توضیح بیشتر دربارهٔ تعداد نسخ خطی و آمار موجود از آن در ایران و جهان، ر.ک: مسجدی، ۱۳۹۷، ص۱۷ـ۲۱.

۲. در مورد مصحّحان و محقّقان بزرگ تصحیح متون، انگیزه‌ها، روش‌ها و دیدگاه‌های ایشان در تصحیح متون، ر.ک: مایل هروی، ۱۳۷۹، ص۳۹۴ـ۴۰۰ و چرمگی عمرانی، ۱۳۹۸، ص۵۳ـ۵۹.

بهار، عبدالعظیم قریب، احمد بهمنیار، عباس اقبال آشتیانی، حبیب یغمایی، جلال‌الدین همایی، سیدمحمد مشکاة و مجتبی مینوی یاد کرد. یحیی مهدوی، ذبیح‌الله صفا، محمد معین، بدیع‌الزمان فروزانفر، محمدتقی دانش‌پژوه، مهدی بیانی، احمدعلی رجایی و غلامحسین یوسفی نیز نسل دیگر از این مصححان به شمار می‌روند (افشار، ۱۳۸۴، ص۱۸۲ـ۱۸۳).

از شاخص‌ترین چهره‌ها در تصحیح و تحقیق متون قرآنی و حدیثی در دورهٔ معاصر می‌توان به پژوهشگرانی نظیر استاد علی‌اکبر غفاری،[۱] استاد میرجلال‌الدین محدث ارموی،[۲] محمدباقر بهبودی، علامه میرزا ابوالحسن شعرانی، علی‌نقی فیض‌الاسلام و محققان دیگری اشاره کرد که به‌حق، در احیای برخی نسخه‌ها و کتاب‌های خطی قرآنی و حدیثی شیعه، سهم انکارناپذیری در عصر حاضر ایفا کرده‌اند.

تصحیح و تحقیق جوامع اربعهٔ حدیثی شیعه توسط استاد علی‌اکبر غفاری، از بهترین نمونه‌های تصحیح متون به روش علمی و تحقیقی به شمار می‌رود. علامه شعرانی نیز با تصحیح، تحقیق و مقدمه بر تفاسیر قرآن و برخی متون حدیثی، خدمت شایانی در جهت احیا و بازیابی آثار و متون کهن کرده است.

این محققان، بسیاری از کتاب‌های خطی، ازجمله کتب خطی حدیثی را از گردِ غُربت مخازنِ کتابخانه‌ها رهایی بخشیدند و آنان را برای استفادهٔ عموم و اهل فن تصحیح کردند. در این میان، آیت‌الله بروجردی با تشویق پژوهشگران بر تصحیح کتب خطی کهن و تأکید بر احیای این میراث ارزشمند، نقش مهمی در احیای متون حدیث و علوم آن داشتند (غلامعلی، ۱۳۹۰، ص۳۱۸).

تلاش‌هایی که در زمینهٔ تصحیح متون خطی و نقد علمی این آثار صورت گرفته، به نحوی کارگشا و کاربردی بوده که اغلب، باب تحقیق و پژوهش‌های علمی جدید را در زمینه‌های مختلف گشوده و سبب شده است محققان و دانشمندان حوزهٔ مطالعات قرآنی و حدیثی، نظرات و دیدگاه‌های پرمایه‌ای را در علوم مختلف اسلامی ارائه بدهند و همچنین در مقام مقایسهٔ دیدگاه‌های گوناگون، برآیند و گاه در ردّ و قبول دیدگاه‌های پیشین، نظر صحیح و اصحّ را برگزینند.

۱. ر.ک: استادی، رضا (۱۳۸۳ش)، «روش علی‌اکبر غفاری در تصحیح متون»، مجلهٔ علوم حدیث، ش۳۴، ص۱۸۲ـ۱۸۹. غروی نایینی، نهله (۱۳۸۴ش)، «روش تحقیق، تصحیح و تعلیق استاد غفاری در کتاب من لایحضره الفقیه»، مجلهٔ پژوهش دینی، ش۱۲، ص۳۳ـ۵۱.
۲. ر.ک: مشتاق‌مهر، رحمان (۱۳۷۸ش)، «محدث ارموی و تصحیح متون»، مجلهٔ آینهٔ پژوهش، دورهٔ ۱۰، ش۵۹، ص۲ـ۱۱.

۱ـ ۳ـ ۴. مستشرقان و تصحیح و پژوهش نسخ خطی قرآنی و حدیثی

چنان‌که گفته شد، در سال‌های اخیر شرق‌شناسان و محققان غربی، مطالعات علمی و محققانه‌ای در موضوعات قرآنی و حدیثی به عمل آورده‌اند که یکی از زمینه‌های آن، نقد و تصحیح متون خطی قرآنی و حدیثی و مطالعات مرتبط به این دو حوزه و همچنین توسعه روش‌های نوین در نسخه‌شناسی است.[۱] امروزه فعالیت مستشرقان در مطالعات اسلامی و قرآن‌پژوهی گسترش پیدا کرده و ارزش کار آنها از دو جهت است:

الف) کشف، مطالعه و درنهایت احیا و انتشار نسخه‌های خطی و فهرست‌نگاری آنها؛

ب) روشمند نمودن مطالعات اسلامی و قرآنی، و بحث و ارزیابی آثار اسلامی.

در دورهٔ معاصر فعالیت‌های مستشرقان در حوزهٔ نسخ خطی و مطالعات قرآنی و حدیثی، تأثیرات عمیقی بر قرآن‌پژوهی و حدیث‌پژوهی داشته است. آنها با کشف، حفظ و مطالعه نسخ خطی، به توسعهٔ روش‌های علمی در نسخه‌شناسی کمک کردند و با بهره‌گیری از تکنولوژی‌های پیشرفته و علوم جدید، دستاوردهای قابل‌توجهی را در این حوزه فراهم آوردند. پروژه‌های دیجیتالی‌سازی و حفظ و مرمت فیزیکی نسخ خطی قرآن در کتابخانه‌های اروپایی و آمریکایی مانند پروژهٔ کورپوس کورانیکوم، پروژه قرآن برلین و پروژهٔ دانشگاه پرینستون و نیز ایجاد پایگاه‌های جامع از نسخ خطی، ازجمله دستاوردهای مهم مستشرقان از آغاز قرن هجدهم به بعد در حوزهٔ مطالعات نسخ خطی است. این پروژه‌ها باهدف جمع‌آوری و تحلیل نسخ خطی قرآن از سراسر جهان، به مطالعه تاریخ و تحولات متن قرآن و ارتباط آن با متون دیگر پرداخته است (سپهری‌فرد، ۱۴۰۴، ص۱۱۱ و ۱۱۲). تهیهٔ فهرست‌های نسخ خطی ایرانی و اسلامی نیز از فعالیت‌های مهم مستشرقان در حوزهٔ نسخ خطی است که حاکی از اهتمام ویژهٔ محققان غربی به میراث علمی اسلامی و احیای این آثار است.

آرتور جفری[۲] که از شرق‌شناسان و اسلام‌شناسان بنام استرالیایی است، نخستین و

---

۱. در مورد سنت تصحیح متن در غرب و خصوصیات فن تصحیح اروپایی و همچنین شیوهٔ تصحیح علامه قزوینی، ر.ک: امیدسالار، (۱۳۸۴ش)، «علامه قزوینی و فن تصحیح متن»، نامهٔ بهارستان، سال ششم، شمارهٔ اول و دوم، ص۱۸۹ـ۲۰۶. نویسندهٔ مقالهٔ مزبور، سنت تصحیح متن در غرب را به سه مرحله تقسیم کرده است: الف) بررسی دستنویس‌ها؛ ب) مقایسهٔ نسخه‌ها؛ ج) اصلاح دستنویس‌ها (ر.ک: امیدسالار، ۱۳۸۴، ص۱۸۹ و ۱۹۴ـ۱۹۶).

2. Arthur Jeffery.

قدیمی‌ترین کتاب موجود در زمینهٔ تاریخ قرآن را که در اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم به نگارش درآمده است، احیا کرد و به تصحیح و انتشار آن همت گمارد. این دانشمند غربی، کتاب المصاحف عبدالله‌بن‌ابی‌داود سجستانی (م۳۱۶ق) را که دربارهٔ تاریخ قرآن و وصف مصاحف اولیه بوده و مدت‌ها در دسترس نبوده است به دست آورد و با دقت و توجه به معیارهای علمی، این اثر را در دسترس همگان قرار داد و متن ارزشمند دیگری را به کتابخانهٔ علمی مطالعات اسلامی و قرآنی افزود. مقدمهٔ تفسیر المبانی لنظم المعانی و مقدمهٔ تفسیر المحرر الوجیز نیز که مشتمل بر مباحث سودمندی در تاریخ و علوم قرآنی است، اثر دیگری است که توسط آرتور جفری با عنوان مقدمتان فی علوم القرآن تصحیح و منتشر شده است.

علاوه بر آرتور جفری، اسلام‌پژوهان و محققان دیگری نیز در جهان غرب به نسخه‌شناسی متون کهن قرآنی و حدیثی و تصحیح و پژوهش در حوزهٔ مخطوطات کهن قرآنی اشتغال داشته و دارند.[1] از این میان می‌توان به این محققان غربی اشاره کرد: فرانسوا دِروش،[2] پژوهشگر بخش مخطوطات عربی و مصاحف قرآنی کتابخانهٔ ملی فرانسه و فهرست‌نویس نسخه‌های خطی قرآنی، نویسندهٔ مقاله‌ها و کتاب‌های فراوان در حوزهٔ مخطوطات عربی، به‌ویژه نسخه‌های کهن قرآنی ازجمله کتاب قرآن‌های عصر اموی (لایدن، انتشارات بریل، ۲۰۱۴). تحقیقات دروش دربارهٔ نسخه‌های صنعا و بررسی نسخه‌های خطی قرآن از دورهٔ اموی و همچنین به‌کارگرفتن روش‌های علمی مانند کربن‌سنجی و تصویربرداری چندطیفی برای تحلیل این نسخه‌های خطی، بسیار ارزشمند و راه‌گشا بوده است (سپهری‌فرد، ۱۴۰۴، ص۱۰۳).

۲ـ۳ـ۴. نقش محقق و مصحح معاصر در پژوهش نسخه‌های خطی قرآنی و حدیثی

واضح است که محقق و مصحِّح متون خطی، ناگزیر از آشنایی با دانش‌های فراوان و به کار

۱. ذکر نام دو تن از مستشرقان در این نوشتار که در تصحیح متون خطی اسلامی اشتغال داشته‌اند، از باب نمونه است و بدون تردید مستشرقان و اسلام‌شناسان بزرگ دیگری نیز در این عرصهٔ علمی قدم نهاده و قلم زده‌اند. از نسخه‌شناسان برجستهٔ غربی می‌توان از کارل لاخمان (Karl Lachmann)، هرمان اته (Hermann Ethè)، چارلز امبروز استُوری (Charles Ambrose Storey) و گوستاو فلوگل (Gustav Leberecht Flügel) یاد کرد. گای لسترنج (Guy le Strange)، ادوارد براون (Edward G.Browne)، هلموت ریتر (Hellmut Ritter)، برتلس (Berthels)، پاول هرن (Paul Horn) و پطروشفسکی (Petrushevsky) نیز ازجمله مصحّحان بنام متون خطی در غرب به شمار می‌روند (ر.ک: مایل هروی، ۱۳۷۹، ص۳۹۴).

2. François DÉROCHE.

گرفتن آنها در امر تصحیح متون است. مصحح یا محقق متون خطی به‌منظور آغاز کار تصحیح و تحقیق، ضرورت دارد چند متن موفق را که به شیوهٔ علمی و انتقادی تصحیح شده‌اند، از جنبه‌های مختلف مطالعه و ارزیابی کند و این متون را الگو و سرمشق خود برای پژوهش قرار دهد. در این صورت است که بهتر و واقع‌بینانه‌تر می‌تواند با شیوه‌های صحیح مقدمه نوشتن، طریقهٔ توضیح یا تعلیقه نوشتن، دست یافتن به نسخهٔ اساس و نسخه بدل‌ها، نحوهٔ مقابله نسخ با یکدیگر، یافتن اغلاط و اسقاطات متن، تغییرات، تحریف‌ها و تصحیف‌ها، پاورقی‌ها، فهرست‌های راهنما، شیوه‌های تصحیح و مواردی از این قبیل، آشنایی پیدا کند و از این نمونه‌ها در عمل به نحوی نیکوتر و صحیح‌تر بهره ببرد. یک مسئلهٔ مهم این است که نسخه‌های خطی چون از روزگاران گذشته به جای مانده‌اند، قسمت‌هایی از آنها پاره شده یا ناخوانا است، یا کاتب دقت خاصی در نوشتهٔ خود نداشته است؛ درنتیجه باید نسخه‌ها را منقّح نمود و سپس به چاپ آن اقدام کرد (رنجبر، ۱۳۷۷، ص۱۳۵).

به باور محققان حوزهٔ تصحیح متون، آشنایی با قرآن و دیگر آموزه‌های اسلامی، نقش مهمی در تصحیح متون خطی دارند و توجه به این مقوله بسیار حائز اهمیت است. دانشجویان رشته‌های مطالعات دینی، ازجمله علوم قرآن و حدیث که از امتیاز آشنایی کافی با قرآن و متون حدیثی برخوردار هستند، یک گام به هدف تصحیح علمی و شایسته، نزدیک‌تر هستند و می‌توانند عملکرد بهتری در انتشار و احیای این مکتوبات گران‌ارج داشته باشند.

در تصحیح متون علمی، لازم است پژوهشگرِ مصحّح، به دانش‌های مرتبط با نسخهٔ موردنظر احاطهٔ کافی داشته باشد.[1] استاد جلال‌الدین همایی در مقدمهٔ کتاب التفهیم می‌نویسد: «پیداست که برای تصحیح و توضیح عبارات و مطالب این کتاب... سابقهٔ ممتد تحصیلی و مقدمهٔ احاطهٔ علمی به مسائل ریاضی، هندسه، حساب، جبر، مقابله، هیئت، نجوم و اسطرلاب را که در مقالات و ابواب و فصول این کتاب مندرج است، نیز لازم داشت؛ چراکه اصلاح و شرح مطالب کتب علمی که از قبیل کتاب التفهیم باشد، بدون مقدمهٔ خبرت و اهلیت و سابقهٔ تحصیلی امکان‌پذیر

۱. یکی از کتاب‌هایی که در آن به تفصیل و با نگاه علمی، به ویژگی‌ها و خصیصه‌های مصحِّح متون خطی پرداخته، کتاب تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، نوشتهٔ نجیب مایل هروی است که در بخش دوم، قسمت دوازدهم، با عنوان «آمُخته‌ها (عادت‌ها) و آموخته‌های مصحِّح» این مطلب را بررسیده است (ر.ک: همان، ۱۳۷۹، ص۴۱۱_۴۲۶).

نیست» (ستوده، ۱۳۸۶، ص۴۳۳). مؤلف کتاب راهنمای تصحیح متون نیز در مورد ویژگی مصحِّح آورده است: «مصحّح اهلیّتمند در تصحیح متن، باید با منطق زبانی ـ بیانی، موضوعی، فکری و هنری حاکم بر متن آشنا باشد و این آشنایی را دخالت دهد» (جهانبخش، ۱۳۷۸، ص۲۶).

مؤلف مقالهٔ «فن تصحیح متون» دربارهٔ صفات علمی و فنی مصحّح می‌نویسد: «مصحّحان کتب، به‌حسب موضوعات علومی که در آن تحقیق می‌کنند، متفاوت‌اند. مصحّحی که دربارهٔ یکی از علوم یا رشته‌ای از فنون ادبی تحقیق می‌کند، باید به‌جز دانستن زبان عربی، عالم بدان رشته و آگاه از مصطلحات آن باشد. از انواع کتابت و تاریخ تطوّر آن در دوره‌های مختلف مطّلع باشد.» این نویسنده، به‌عنوان‌نمونه، در مورد محققی که بر آن است کتاب لغویِ چاپ‌نشده‌ای را منتشر کند به این مطلب اشاره می‌کند که باید اولاً شروط عمومی نشر علمی را رعایت کند، به پژوهش دربارهٔ زبان علاقه‌مند باشد، حافظ بسیاری از مفردات باشد، به شکل‌های تصحیفات به‌طورکلی آگاه باشد و خصوصاً تصحیفات کلمات را بشناسد...» (مصطفی جواد، ۱۳۷۷، ص۱۰۰).

سمیعی نیز دانش‌های فراوانی را نام می‌برد که مصحِّح متون خطی، ناگزیر از دانستن و به کار گرفتن آنها در تحقیق و تصحیح متون است. به اعتقاد ایشان، «تصحیح متون به پایه و مایه نیاز دارد؛ از تبحّر در لغت و علوم ادبی و سابقهٔ تتبع در منابع و آشنایی با سبک‌ها و مکاتب و تحول ساختمانی زبانی و آگاهی از تأثیر گویش‌ها و لهجه‌ها و هم زبان‌های بیگانه و فرهنگ رسمی و مردمی عصر و انس با عربیّت و الفت با قرآن و علوم قرآنی و تخصص در فنی که متن در حوزهٔ آن است گرفته تا علم به سیر تطوّر خط و کتابت و هنر خوشنویسی، و همراه همهٔ اینها دقت و وجدان علمی و قوهٔ تمییز و استعداد تفرّس و سرانجام شمّ و ذوق زبانی» (سمیعی، ۱۳۶۲، ص۴۸).

البته این نویسنده، این مطلب را یادآوری نموده است که به‌ندرت پیش می‌آید که همهٔ این مهارت‌ها و دانش‌ها و مواهب در فردی فراهم آید؛ از این‌رو در تصحیح متون، توجه به کار گروهی ضرورت دارد (همان). مؤلف کتاب راهنمای تصحیح متون، سه عنصر اصلیِ دخیل در فرایندِ تصحیح متن را عبارت می‌داند از: موادّ و منبع، شایستگی و اهلیّت مصحّح (منتقد) و شیوه و روش استدلالی کار، که تفکیک‌شدگی جداییِ این عناصر، تنها در حوزهٔ نظری تصحیح، قابل تصوّر است؛ وگرنه در مسیر عمل، در رابطه‌ای تنگاتنگ و پیچیده مشاهده خواهند شد (ر.ک: جهانبخش، ۱۳۷۸، ص۱۴).

ـ مصحح متون یا منتقد متون؟

بدیهی است که پژوهش در حوزه نسخه‌های خطی و متن‌پژوهی، از دو جنبه قابل بررسی و عرضه است: یکی تصحیح متن[1] و دیگری نقد و تحقیق پیرامون متن. بنابراین، پژوهشگر نسخهٔ خطی علاوه بر اینکه مصحح متن است و تصحیح متن خطی را بر عهده می‌گیرد، شایسته است به‌عنوان منتقد متن نیز با روش علمی و با نگاه انتقادی، اثری درخور و قابل‌اعتماد از متون کهن عرضه کند.

برخی از محققان، گاهی دو تعبیر «نقد متون» و «تصحیح متون» را به‌جای همدیگر به کار برده و از «مصحّح» در برخی مواقع، به «منتقد» یاد کرده‌اند (ر.ک: زرین‌کوب، ۱۳۳۶، شمارهٔ ۶، ص۲۵۹ـ۲۶۰ و شمارهٔ ۷، ص۳۱۳ و جهانبخش، ۱۳۷۸، ص۱۴، ثروت، ۱۳۹۶، ص۷). در این باره، مایل هروی نیز به طور مکرّر در کتاب خود، از تعبیر «مصحِّحِ منتقد» استفاده می‌کند (برای نمونه ر.ک: مایل هروی، ۱۳۷۹، ص۵۰۱ـ۵۰۲).

زرین‌کوب در اهمیت ذوق نقادی و قریحهٔ نکته‌سنجی در تصحیح متون می‌نویسد: «شرط اول برای کسی که به کار نقد و تصحیح متون می‌پردازد آن است که فقط متکی به قواعد و رموز و به‌اصطلاح فقط متکی به تکنیک نباشد؛ بلکه ذوق و قریحهٔ نقادی داشته باشد و از جمیع معلومات و مطالعات تاریخی و ادبی و فلسفی هم که برای فهم و نقد و تصحیح و تنقیح مطالب و مندرجات متن لازم است به‌قدر کفایت بهره داشته باشد» (زرین‌کوب، ۱۳۳۶، شمارهٔ ۶، ص۲۶۰). به گفتهٔ زرین‌کوب کسانی که نمی‌خواهند مسئولیت عنوان «نقد و تصحیح» را بر عهده بگیرند، کاری را که به‌عنوان نقد و تصحیح انجام می‌دهند، تحت کلمهٔ محجوب «نشر و اهتمام» می‌پوشانند (همان، ص۲۵۹).

---

۱. به آماده‌سازی متنی کهن بر اساس مقابله، سنجش و تصحیح نسخه‌های خطی آن، به‌گونه‌ای که متن نهایی فراهم آمده، نزدیک‌ترین صورت ممکن به نوشته مؤلف باشد، «تصحیح متن» می‌گویند. مصحّح متن، اصلاح‌کنندهٔ اغلاط و اشتباهات لفظی یا معنای مؤلف و مصنف نیست، بلکه او می‌کوشد تا اغلاط، تصحیفات و تصرفاتی که به مرورزمان به دست دیگران (عمدتاً کاتبان) خواسته (تحریف و تغییر نوشته مؤلف) یا ناخواسته (بدخوانی، اسقاط متن و...)، در نسخه‌هایی اثر راه یافته را از متن آن بزداید و آن را به‌گونه‌ای تصحیح و ویرایش کند که متن، تا حد امکان، نزدیک به اصل نوشته مؤلف باشد (ر.ک: عمادی حائری، ۱۳۸۷، ص۴).

به‌طور کلی مهم‌ترین روش‌های تصحیح متون خطی عبارت‌اند از: تصحیح انتقادی، التقاطی و قیاسی. منظور از روش انتقادی در تصحیح متون فارسی [و عربی] این است که با استفاده از روش علمی بتوان تا حد امکان، یک متن را به‌صورت اصلی و حقیقی خود نزدیک کرد. به‌این‌ترتیب در روش انتقادی، انتخاب نسخه اهمیت خیلی زیادی دارد و می‌توان گفت مهم‌ترین کار است. طبعاً هرقدر نسخه‌ای قدیم‌تر باشد، ارزش بیشتری دارد و به نسخهٔ اصلی نزدیک‌تر خواهد بود (ر.ک: بینش، ۱۳۵۴، ص۴۱۵).

نجیب مایل هروی نیز نگاه انتقادی به متن را در امر تصحیح ضروری می‌داند و در این مورد اظهار می‌دارد: «تصحیح متون، بدون دیدگاه‌ها و بصیرت انتقادی، به پختگی نمی‌رسد؛ چراکه هرقدر منتقد و مصحّح در تصحیح متون احتیاط و دقت به کار ببرد و رسم و راه کار را بهتر و دقیق‌تر بداند، البته بهتر و بیشتر موفق می‌شود؛ اما اگر از ذوق نقادی و قریحهٔ نکته‌سنجی به کلی عاری باشد، البته با تمام دقت و احتیاط نمی‌تواند این کار را چنان‌که باید انجام بدهد» (مایل هروی، ۱۳۷۹، ص۵۰۰۹).

۴ ـ ۴. نقش مراکز علمی در تحقیق و تصحیح نسخه‌های خطی در دورهٔ معاصر

امروزه در مراکز علمی و دانشگاه‌های کشورهای اسلامی و اروپایی، کنفرانس‌ها، همایش‌ها و کارگاه‌های بسیاری دربارهٔ تصحیح متون کهن و شناساندن نسخ خطی اسلامی و قرآنی و همچنین جنبه‌های گوناگون این سنخ از مطالعات علمی برگزار می‌شود و به نظر می‌رسد که هدف از برگزاری این همایش‌ها و فراخوان مقاله برای این کنفرانس‌ها، پربار ساختن و ضابطه‌مند کردن فعالیت‌های علمی و شناساندن دیدگاه‌های مختلف در این زمینه و از همه مهم‌تر، آشنایی محققان و کارشناسان نسخ خطی اسلامی و ایرانی با فعالیت‌های یکدیگر و تبادل تجربیات در حوزهٔ متون کهن باشد.

ازجملهٔ این فعالیت‌های علمی در حوزهٔ نسخ خطی که شامل همایش‌ها، کنفرانس‌ها، دوره‌ها، مدرسه‌ها و فراخوان مقاله می‌شود و در سال‌های اخیر در مراکز علمی غربی برگزار شده است، می‌توان به این موارد اشاره نمود:

ـ کنفرانس بین‌المللی بررسی نسخه‌های خطی عربی ـ اسلامی (کتابخانهٔ دولتی برلین)؛
ـ همایش نسخ خطی اسلامی در دانشگاه کمبریج؛
ـ همایش بین‌المللی نسخ خطی فارسی به مثابه میراث جهانی؛
ـ کنفرانس نسخ خطی فارسی (انجمن نسخ خطی اسلامی با همکاری بنیاد جامع فرهنگی اسلامی و مرکز مطالعات اسلامی شاهزاده الولیدبن‌طلال در دانشگاه کمبریج)؛
ـ همایش حامیان نسخ خطی (جایزه استاد سیدعبدالله انوار)؛
ـ بزرگداشت استاد سیدمحمد مشکوة، پیشکسوت عرصه نسخه‌شناسی.

فراخـوان مقالـه بـرای کنفرانس‌ها و مجلات مرتبط با نسخه‌شناسـی علوم اسـلامی و قرآنی و همچنین برگزاری دوره‌های مختلف در این زمینه نیز از دیگر فعالیت‌های مهم مراکز علمی غربی در حوزهٔ نسخ خطی اسلامی است که برخی از آنها از این قرار است:

ـ دورهٔ فشـردهٔ مقدمه‌ای بر شناسـایی نسـخ خطی اسـلامی (مؤسسـهٔ نسـخ خطی اسلامی در دانشگاه کمبریج، انگلستان)؛

ـ فراخوان شرکت در کارگاه «مقدمه‌ای بر نسخ خطی ترکی» (کتابخانهٔ دولتی برلین و دانشگاه فون هومبولت، آلمان)؛

ـ فراخوان مقاله مجلهٔ «مطالعات نسخ خطی اسلامی» (انتشارات بریل هلند)؛

ـ فراخوان مقاله برای کنفرانسی دربارهٔ تذهیب کتاب‌آرایی در نسخ خطی (دانشگاه لوزان سوئیس)؛

ـ فراخوان مدرسهٔ تابسـتانه در حوزهٔ فیلولوژی و نسـخ خطی اسـلامی (مرکز مطالعه اسـلام و جامعه در دانشگاه لایدن هلند).

افزون بر اینها، در زمینهٔ تحقیق و تصحیح نسـخه‌های خطی، مؤسسـات علمی و نهادهای خاص در کشـورهای اسـلامی نیز اقدامات قابل‌توجهی انجام داده و آثار ارزشـمند و قابل‌اعتنایی را منتشـر کرده و سـهم مؤثری در مسـیر احیای بخش گرانسنگی از فرهنگ و تمدن ایران و اسلام داشته‌اند. مؤسسهٔ آل‌البیت علیهم‌السلام و مؤسسهٔ دار الحدیث در زمینهٔ حدیث، از مهم‌ترین این مؤسسات به شمار می‌روند. مؤسسهٔ آل‌بیت لإحیاء التراث» در سال ۱۳۶۲ش با هدف احیای میراث تشیع، در قم تأسـیس گردید و شـعبه‌هایی در کشورهای لبنان، سوریه، گرجستان، انگلستان، ترکیه و آلمان دارد و انتشار فصلنامه تراثنا نیز از فعالیت‌های برجستهٔ آن است.

این مؤسسـه در سـال ۱۳۶۷ش/۱۴۰۸ق رسـاله‌ای با عنوان «منهج تحقیق المخطوطات» به زبان عربی در قم چاپ و منتشر کرده است که در آن، مراحل مختلف تصحیح متون خطی توضیح داده شـده اسـت[1] (سـتوده، ۱۳۸۶، ص۴۵۴). مؤسسـهٔ دار الحدیـث قـم نیز اقدام به انتشـار فهرسـت نسـخه‌های خطـی کتابخانهٔ تخصصی مرکـز تحقیقات خود (دار الحدیث قم) نموده اسـت. این اثر ارزشـمند در هشـت موضوع قرآنی و حدیثی، به‌ویژه علوم حدیثی تنظیم شـده اسـت. علاوه بر

۱. برای آشنایی بیشتر با مؤسسهٔ آل‌البیت، ر.ک: رفیعی (علا مرودشتی)، علی (۱۳۷۷ش)، «آشنایی با مؤسسهٔ آل‌البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث»، مجلهٔ آینهٔ میراث، ش۳ـ۴، ص۱۱۲ـ۱۲۲.

اینها در عصر حاضر «مؤسسهٔ پژوهشی میراث مکتوب»، اختصاصاً فعالیتش به حفظ و انتشار متون گذشتگان مصروف می‌شود و تا به امروز، نسخه‌ها و متون خطی گوناگونی در موضوعات مختلف، از سوی این مؤسسه منتشر شده است. این مؤسسه اقدام به انتشار سه فصلنامه می‌کند از جمله فصلنامه گزارش میراث و ضمیمهٔ آن، دو فصلنامه آینهٔ میراث و ضمیمهٔ آن و دو فصلنامه میراث علمی اسلام و ایران.

۱ـ۴ـ۴. فهرست‌نگاری نسخ خطی قرآنی و حدیثی در مراکز علمی اسلامی و غربی

برای دسترسی به نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه‌ها و مراکز علمی و جمع‌آوری اطلاعات دربارهٔ ویژگی‌هایی محتوایی و ساختاری نسخه‌ها و همچنین نسخه بدل‌ها، لازم است پژوهشگر نسخ خطی، به فهرست‌های منتشرشده در این زمینه مراجعه کند.[۱]

به جست‌وجو و بررسی این نسخه‌های موجود که برای این منظور می‌باید به فهرست‌های نسخه‌های خطی کتابخانه‌های دنیا مراجعه کرد، به طور عام «نسخه‌شناسی» گفته می‌شود. مراحل سه‌گانهٔ نسخه‌شناسی عبارت‌اند از نسخه‌شناسی توصیفی (جست‌وجو و بررسی فهرست‌ها)، نسخه‌شناسی تاریخی (شناخت کهن‌ترین نسخه‌ها) و نسخه‌شناسی تطبیقی (تشخیص اصیل‌ترین و صحیح‌ترین آنها) (عمادی حائری، ۱۳۸۷، ص۵ـ۶).[۲]

فهرست‌های فراوانی از نسخ خطی در ایران توسط مراکز مختلف، ازجمله کتابخانه‌ها، مراکز و مؤسسات علمی و دانشگاه‌ها، در قالب کتاب منتشر شده‌اند. فهرست نسخ خطی سازمان اسناد و کتابخانهٔ ملی در ۳۸ مجلد و فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی در ۵۴ جلد، از مهم‌ترین آنهاست. علاوه بر اینها، فهرستگان نسخ خطی ایران (فنخا)، توسط مصطفی درایتی، زیر نظر سازمان اسناد و کتابخانهٔ ملی جمهوری اسلامی ایران تدوین شده و سیصد هزار نسخه از نسخ خطی موجود در کتابخانه‌های ایران را که مربوط به سال‌های ۱۳۰۵ تا ۱۳۹۰ش

۱. در مورد فهرست‌نویسی نسخ خطی، کارکردها، اصول و قواعد کلی آن و همچنین شیوه‌ها (سنتی، میانه و مدرن) و انواع فهرست‌های نسخ خطی (۱. بر اساس نوع اطلاعات هر اثر: تحلیلی ـ انتقادی، موضوعی، تاریخی؛ ۲. بر اساس کیفیت تحقیق فهرست‌نگار: نامگو، توصیفی، توصیفی ـ تحلیلی)، ر.ک: عظیمی و نازی، (۱۳۸۹)، «نسخ خطی و فهرست‌نویسی آن در ایران»، تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاهی، شمارهٔ ۵۲، ص۷۸ـ۹۱.

۲. برای آگاهی بیشتر در مورد مراحل سه‌گانهٔ نسخه‌شناسی، ر.ک: مایل هروی، ۱۳۷۹، ص۳۳۳ـ۳۵۶ و چرمگی عمرانی، ۱۳۹۸، ص۳۵ـ۳۶.

است دربرگرفته و در این اثر معرفی شده است. فهرستوارهٔ دست‌نوشت‌های ایران (دنا) نیز به کوشش مصطفی درایتی در دوازده جلد تدوین شده و انتشارات کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی آن را منتشر کرده است.

در حوزهٔ قرآن و حدیث می‌توان از فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی علوم قرآن در ایران، نگارش احمد منزوی یاد کرد که فهرستی جامع از نسخه‌های خطی علوم قرآنی را در خود جای داده است و با سه مشخصه تدوین شده است: بخش اول، شامل اطلاعات کتاب‌ها دربارهٔ تفسیر و ترجمهٔ قرآن؛ بخش دوم، کتاب‌هایی در زمینهٔ قرائت قرآن؛ و درنهایت بخش سوم، معرفی منابع نگاشته‌شده در باب قرآن. فهرست نسخ خطی کتابخانهٔ تخصصی مرکز تحقیقات مؤسسهٔ دار الحدیث قم، اثری ارزشمند در زمینهٔ فهرست نسخه‌های خطی در هشت موضوع قرآنی و حدیثی، به‌ویژه علوم حدیثی است که به تحقیق علی صدرایی خویی منتشر شده است.

افزون بر اینها، مجموعه‌ای پانزده جلدی مربوط به نسخه‌های قرآن و علوم قرآنی با عنوان فهرست دستنویس‌های علوم قرآنی در کتابخانه‌های ایران و برخی کتابخانه‌های جهان، توسط یوسف بیک باباپور و سیدحسین مرعشی منتشر شده است. در این اثر، ۳۶ هزار نسخهٔ خطی فهرست شده که از این تعداد، سی هزار نسخه مربوط به علوم قرآنی، اعم از تفسیر، تجوید، قرائت، فقه القرآن، قصص القرآن و... است و شش هزار نسخه دیگر نیز قرآن‌های دستنویس در کتابخانه‌های ایران و جهان است.[1]

۲ـ۴ـ۴. فهرست‌نگاران نسخ خطی در ایران و غرب

در ایران، محمدتقی دانش‌پژوه یکی از افرادی است که در زمینهٔ کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی، خدمات بسیار ارزنده‌ای انجام داده است.[2] جهانی‌بودن خدمات دانش‌پژوه، یکی از ممیّزات برجستهٔ زندگی علمی اوست. فهرست‌هایی که دانش‌پژوه از نسخه‌های خطی و میکروفیلم‌ها

۱. این مجموعهٔ پانزده جلدی، توسط مرکز طبع و نشر قرآن کریم در تهران به چاپ رسیده است.

۲. دربارهٔ شخصیت علمی و مطالعات نسخه‌شناسی این مصحّح عالی‌قدر متون عربی و فارسی، بزرگ‌ترین نسخه‌شناس و فهرست‌نگار معاصر، به مقالهٔ شارل هانری دوفوشه کور (Charles-Henri de Fouchécour)، استاد بخش مطالعات ایرانی دانشگاه سوربُن که به یاد استاد محمدتقی دانش‌پژوه به نگارش درآمده و توسط علی‌اکبرخان محمّدی به فارسی ترجمه شده است مراجعه کنید (ر.ک: شارل هانری دوفوشه کور (۱۳۷۷ش)، «آشنایی با مصححان و محققان: به یاد استاد محمدتقی دانش‌پژوه»، مجلهٔ آینهٔ میراث، سال اول، ش۲، ص۷۰ـ۸۵).

منتشر کرده است، مرجع مسلم در تحقیقات اسلامی و ایرانی به شمار می‌رود و از جهت احتوای بر معرفی تعداد زیادی از نسخ خطی و مخصوصاً نسخ ناشناخته، مکمل فهرست‌های دیگر است (ستوده، ۱۳۸۶، ص۱۹۵_۱۹۷). دانش‌پژوه مجموعه‌ای از فهارس مربوط به ۲۵ کتابخانهٔ ایران و چهل و چند کتاب‌های ممالک دیگر (آمریکا، شوروی، هندوستان، پاکستان، افغانستان، ترکیه، فرانسه، انگلیس، هلند و عربستان سعودی) و ده مجموعهٔ خصوصی مهم را تألیف و نشر کرده است؛ به‌نحوی‌که این فهارس، معرّف حدود پنجاه هزار نسخهٔ خطی است (همان).

علاوه بر مراکز مهمی در ایران که گنجینهٔ ارزشمند نسخه‌های خطی دارند و فهرست‌هایی از این آثار را در اختیار علاقه‌مندان قرار داده‌اند، کتابخانه‌ها و مراکز دیگری مثل کتابخانهٔ ملی ملک، کتابخانه آستان مقدس حضرت معصومه علیها السلام، کتابخانهٔ امیرالمؤمنین نجف (علامه امینی)، کتابخانهٔ عمومی آیت‌الله گلپایگانی، کتابخانهٔ مروی، کتابخانهٔ مسجد اعظم قم، کتابخانهٔ مبارکه فیضیه قم، کتابخانهٔ وزیری یزد، کتابخانهٔ سپهسالار، کتابخانهٔ اهدایی سیدمحمد مشکاة و... نیز نسخه‌های خطی موجود را فهرست نموده و به چاپ رسانده‌اند (ر.ک: فدائی، ۱۳۸۶، ص۲۶۵_۲۸۱).

در غرب، فهرست‌های فؤاد سزگین،[1] چارلز امبروز استوری،[2] کارل بروکلمان،[3] پرچ لودویگ[4] و... از فهرست‌های مهم خارجی هستند. فهرست نسخ خطی کتابخانهٔ ملی پاریس (نسخه‌های خطی)، تدوین فرانسیس ریشار،[5] از فهرست‌های مهم و قابل‌توجه در این زمینه است. مراکز و کتابخانه‌های مهم دیگری نیز در اروپا و امریکا برای کتاب‌های خطی اسلامی و عربی، فهرست‌هایی تهیه کرده‌اند که برخی از آنها عبارت‌اند از: فهرست نسخ خطی موزه بریتانیا از چارلز ریو، فهرست نسخ خطی فارسی کتابخانهٔ سلطنتی وین نوشتهٔ ویلیام پرتسچ، فهرست نسخ خطی کتابخانهٔ بودلیان، دانشگاه آکسفورد انگلستان اثر کارل هِرمان اِته،[6] فهرست دست‌نویس‌های فارسی در کتابخانهٔ ملی اتریش و آرشیو دولتی اتریش در وین، نوشتهٔ ایرج افشار و موزه انگلیس

1. Fuat Sezgin.
2. Charles Ambrose Storey.
3. Carl Brockelmann.
4. Pertsch Ludwig.
5. Francis Richard.
6. Carl Hermann Ethé.

دو فصلنامه علمی تخصصی، سال سوم، شماره پنجم، بهار و تابستان ۱۴۰۵

و فهرست کتابخانهٔ کنگرهٔ امریکا (ر.ک: همان، ص۱۴۳ـ۱۴۵).

فهرست‌های دار الکتب المصریه در قاهره، فهارس کتب موزهٔ بریتانیا، فهارس کتابخانهٔ ملی برلین، فهارس مخطوطات اوقاف بغداد، فهرست کتابخانهٔ موزهٔ عراق نیز فهارس مشهور در این زمره‌اند (مصطفی جواد، ۱۳۷۷، ص۹۹). در امریکای شمالی، در کتابخانهٔ دانشگاه مک‌گیل کانادا نیز مجموعه های غنی نسخ خطی اسلامی وجود دارد که مشهورترین این نسخ در کتابخانهٔ ویلیام آزلر[1] در دانشگاه مک‌گیل نگهداری می‌شود. نسخه‌های خطی اسلامی دیگری که متعلق به مجموعهٔ دکتر کیسی ای. وود[2] بوده نیز در این کتابخانه نگهداری می‌شود (ر.ک: رُمن، ۱۳۷۳، ۷۴ـ۷۵). علاقه و توجه دکتر کیسی ای. وود به گردآوری نسخ خطی اسلامی، در اثر سفر به کشورهای اسلامی و دیگر کشورها، ازجمله ترکیه، سوریه، هند، مصر، لیبی و تونس پدید آمده بود. دکتر وود با کمک دکتر ایوانف،[3] محقق روسی، توانست مجموعه‌ای نفیس از نسخ خطی اسلامی را گردآوری کند و سال‌ها بعد این مجموعه را به دانشگاه مک‌گیل اهدا کرد (همان، ص۷۶).

کتابخانهٔ مؤسسهٔ مطالعات اسلامی مک‌گیل وابسته به دانشگاه مک‌گیل که در سال ۱۹۵۳م توسط پورفسور کَنترل اسمیت[4] تأسیس شد، در تبادل افکار و عقاید بین غرب و جهان اسلام، نقش مهمی را ایفا می‌کند. این کتابخانه بالغ بر ۸۱۰۰۰ جلد کتاب در موضوعات دین، فرهنگ و تمدن اسلامی است و ۱۸۸ نسخهٔ خطی به زبان‌های فارسی، عربی و ترکی دارد که اکثر آنها دربارهٔ الهیات، فقه، تفسیر، عرفان، اخلاق، معانی و بیان و صرف و نحو است. علاوه بر اینها، مجموعهٔ نفیس دیگری از نسخ خطی اسلامی در کانادا موجود است که در دانشگاه تورنتو نگهداری می‌شود و شامل نسخ خطی عربی، فارسی و ترکی در موضوعات تاریخ، حقوق، عرفان، شعر و ادبیات است (همان، ص۷۸ـ۷۹).

برخی فضل تقدم در تهیه فهرست مشترک نسخ خطی فارسی را از آنِ استوری، ایران‌شناس فقید انگلیسی (۱۹۶۷م)، دانسته‌اند. این محقق، کتاب خود را میان سال‌های ۱۹۲۷ تا ۱۹۵۸م انتشار داد و در آن، نسخ خطی فارسی در علوم قرآنی و تاریخ و جغرافیا و علوم ریاضی و جز آن را معرفی کرد (ستوده، ۱۳۸۶، ص۱۹۰). نخستین کسی که به ترجمهٔ بخشی از کتاب استوری اقدام

1. William Osler.
2. Casey ay wood.
3. Ivanov.
4. Cantrell Smith.

کرد، عباس اقبال بود که بخش علوم قرآنی را ترجمه نمود. این ترجمه در دفتر نخستین نشریه نسخه‌های خطی دانشگاه تهران چاپ شده است. تقی بینش نیز بخش‌هایی از کتاب استوری را به فارسی ترجمه کرده است (ر.ک: همان).

۵. نتیجه‌گیری

گستردگی فراوان نسخه‌های خطی در علوم و معارف اسلامی و ایرانی و نیز پراکندگی جغرافیایی این میراث ارزشمند، نمایانگر اهمیت این سنخ از آثار اسلامی در طول سالیان است و مطالعه و پژوهش در این حوزه را مورد توجه محققان و اهل فن قرار داده است. دستیابی به متون کهن و ارائه و انتشار آنها که در سال‌های پیشین با رونق مطالعات قرآنی آغاز شده، در دورهٔ معاصر به اوج خود رسیده است. همچنین بیشتر آثار شایسته و درخور تحقیق، با روش‌های علمی و انتقادی، توسط مصححان و محققان برجسته معاصر به چاپ رسیده و در دسترس جهانیان قرار گرفته است.

در سال‌های اخیر، مستشرقان، نقش برجسته‌ای در احیای نسخ خطی قرآنی و حدیثی داشته‌اند. فعالیت‌های مستشرقان در حوزهٔ نسخ خطی و مطالعات قرآنی که در دو سطح کشف و حفظ نسخ خطی و نیز روش‌شناسی علمی در مطالعهٔ نسخ خطی صورت گرفته است، تأثیرات عمیقی بر قرآن‌پژوهی معاصر داشته و علی‌رغم اینکه گنجینه‌های اسلامی و قرآنی را احیا نموده و قرآن را به جهانیان معرفی کرده، دسترسی به این میراث ارزشمند را در دورهٔ معاصر فراهم آورده است.

نسخه‌های خطی فراوان قرآنی و حدیثی در کتابخانه‌های ایران و جهان، گنجینه‌ای غنی از علوم ناب و دست‌نخورده‌ای را فراهم آورده است که درواقع بیانگر هویت ملی و دینی هر جامعه به شمار می‌رود. بر هر محقق اندیشه‌ور و پژوهشگر دغدغه‌مند فرض است که با استفاده از دانش و تخصص، دقت و حوصلهٔ فراوان و همچنین رعایت اصول و ضوابط علمی در امر تصحیح متون کهن، شناساندن، احیا و انتشار این گنجینه‌های ارزشمند را که نتیجهٔ سال‌ها تلاش دانشمندان اسلامی و ایرانی در عرصهٔ علم و فرهنگ است، در درجهٔ اول فعالیت‌ها و مطالعات علمی خود قرار دهد.

وجود نسخه‌های خطی و متون مکتوب کهن فراوان در حوزه‌های مختلف علوم و معارف

اسلامی و دانش‌های قرآنی و حدیثی در کتابخانه‌های جهان اسلام و غرب و همچنین سیر تکامل آن علوم در دوره‌های زمانی گوناگون و نیاز به احیای این میراث غنی و بهره‌بردن از آنها در مطالعات معاصر، ضرورت توجه و اهتمام به «تصحیح و پژوهش نسخ خطی و متون کهن قرآنی و حدیثی» را در دورهٔ اخیر بیشتر نموده است.

فهرست منابع

الف) فارسی

۱. افشار، ایرج (۱۳۸۴ش)، «مسائل نقل و تصحیح متن‌های فارسی و مشکل حفظ اصالت نسخهٔ خطی»، نامهٔ بهارستان، سال ششم، ش ۱ـ۲، ص۱۷۹ـ۱۸۸.

۲. امیدسالار، محمود (۱۳۸۵ش)، «تاریخچه‌ای از تصحیح متن در مغرب زمین و در میان مسلمین»، آینهٔ میراث، سال چهارم، ش۳۳ـ۳۴، ص۷ـ۳۲.

۳. ـــــــــ (۱۳۸۴ش)، «علامه قزوینی و فن تصحیح متن»، نامهٔ بهارستان، سال ششم، ش ۱ـ۲، ص۱۸۹ـ۲۰۶.

۴. بینش، تقی (۱۳۵۴ش)، «روش تصحیح متون فارسی»، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، دورهٔ ۲۷، ش۱۱۵، ص۳۹۰ـ۴۲۶ و ش۱۱۶، ص۵۶۱ـ۶۱۲.

۵. ثروت، منصور (۱۳۹۶ش)، روش تصحیح انتقادی متون، چاپ دوم، تهران: پایا.

۶. جواد، مصطفی (۱۳۷۷ش)، «فن تصحیح متون»، ترجمه: علی محدث، آینهٔ میراث، ش۲، ص۹۷ـ۱۰۸.

۷. جهانبخش، جویا (۱۳۷۸ش)، راهنمای تصحیح متون، چاپ سوم، تهران: میراث مکتوب.

۸. چرمگی عمرانی، مرتضی و میرزایی، علی (پدرام) (۱۳۸۹ش)، کارگاه روش تصحیح نسخه‌های خطی، چاپ دوم، تهران: دانشگاه پیام نور.

۹. رُمن، استیفن (۱۳۷۳ش)، «نسخه‌های خطی اسلامی در کتابخانه‌های کانادا (مونترال و تورنتو)»، ترجمهٔ: پروین انوار (استعلامی)، مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات، ش۱۷ـ۱۸، ص۷۳ـ۷۹.

۱۰. رنجبر، احمد (۱۳۷۷ش)، روش تحقیق و مأخذشناسی، چاپ پنجم، تهران: اساطیر.

۱۱. زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۳۶ش)، «روش علمی در نقد و تصحیح متون ادبی»، یغما، سال دهم، ش۶، ص۲۵۹ـ۲۶۴ و ش۷، ص۳۱۰ـ۳۱۴.

۱۲. سپهری‌فرد، حسین، حاجبی، غلامرضا (۱۴۰۴ش)، «نقش مستشرقان در احیای نسخ خطی قرآن و مطالعات نسخه‌شناسی»، قرآن‌پژوهی خاورشناسان، سال ۲۰، ش۳۸، ص۹۷ـ۱۳۰.

۱۳. ستوده، غلامرضا (۱۳۸۶ش)، مرجع‌شناسی و روش تحقیق در ادبیات فارسی، چاپ دوازدهم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

۱۴. سمیعی، احمد (۱۳۶۲ش)، «نکته‌هایی در باب تصحیح متون»، نشر دانش، ش۲۰، ص۴۸ـ۵۳.

۱۵. عظیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۶ش)، نسخه‌نامه: کانون‌های استنساخ، عناصر نسخه‌شناسی، رویّه‌های فهرست‌نویسی، شناخت جعل و اصالت نسخه‌ها، چاپ اول، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

۱۶. عمادی حائری، محمد (۱۳۸۷ش)، «تصحیح متون با تأکید بر تصحیح متون فارسی»، گزارش میراث، دورهٔ دوم، سال سوم، ش۲۵ـ۲۶، ص۴ـ۱۲.

۱۷. غلامعلی، مهدی (۱۳۹۰ش)، سبک‌شناخت کتاب‌های حدیثی، چاپ دوم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم

انسانی دانشگاه‌ها (سمت)؛ دانشکدهٔ علوم حدیث.
۱۸. فدائی، غلامرضا (۱۳۸۶ش)، آشنایی با نسخ خطّی و آثار کمیاب (فارسی و عربی)، چاپ اول، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۱۹. مایل هروی، نجیب (۱۳۷۹ش)، تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطّی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۲۰. مجرد، مجتبی (۱۳۹۳ش)، «زمینه‌های پیدایش و تطور دانش تصحیح متن در جهان اسلام»، مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات، دورهٔ ۲۵، ش۹۸، ص۱۰۶ـ۱۱۹.
۲۱. مسجدی، حسین (۱۳۹۷ش)، نسخه‌های خطّی و آثار کمیاب، چاپ اول، تهران: دانشگاه پیام نور.
۲۲. المنجّد، صلاح‌الدین (۱۳۷۷ش)، «روش تصحیح نسخه‌های خطّی»، ترجمهٔ: حسین خدیوجم، میراث شهاب، سال ششم، ش۱، پیاپی ۱۹، ص۵۶ـ۶۶.